

از حضرت عبدالعظیم تا نیاوران

دکتر محسن جعفری مذهب

(عضو هیئت علمی کتابخانه ملی)

نکرده است. این نسخه عجلتاً در اختیار من است و نشانی از مالکان پیشین بر آن دیده نمی‌شود.

۲. آگاهی‌های کتاب‌شناسی

آغاز: «و به نستین بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی هدانا لهذا شرایع الاسلام، و اولانا مدارک الحلال و الحرام، و لوجب علينا الصلوة و الصیام...»
انجام: «... اللهم اجعلنا ممن عرفهم و قیل ولایتهم و سلم لهم».

نویسنده در روی برگ ۲، در سبب نگارش می‌نویسد: «ما بعد فیقول الفقیر الی الله الغنی محمود ابن محمد تبریزی، هذا عبارات راتقه و فقرات [۲ ب] فایقه کتبتھا حین التجائی الی حرم السید السند الاوحد اللمجد الاتجد و النور المتوقد الاواه الحکیم و المحدث العلیم و المولی الکریم السید عبدالعظیم صلوات الله علیه و علی آباءه الطاهرین، و جعلتها هدیه لعقبه الملک الباذل، کھف الاسلام و المسلمین، و کنف الایمان و المؤمنین، المؤید بتایید الله و الغازی فی سبیل الله، سمی خاتم الانبیا محمد ابن عبدالله صلی الله علیه و آله، [۳ ر] السلطان ابن السلطان محمد شاه قاجار خلدانه ملکه و سلطانه، و انار الله قدرته و برهانه...»

موضوع کتاب اخلاقی، و شامل پندهایی برای مؤمنین با استفاده از آیات و احادیث شیعی است.

نام کتاب به صراحت در کتاب نیامده و بصورت «خفیه المحقره و الهدیه المختصره» از آن یاد شده است. مرحوم شیخ آغا بزرگ طهرانی در کتاب خود درباره اخلاق نظام العلماء می‌نویسد:

«مولی محمود بن محمد تبریزی معلم سلطان ناصرالدین شاه قاجار و متوفی حدود سال ۱۲۷۰، کتاب اخلاق نظام

بتازگی نسخهای کوچک و جیبی بدستم رسید که آگاهیهای جغرافیایی روشنی در انجنامه‌های خود داشت. نسخه مورد بحث ما را نویسند های تبریزی در حضرت عبدالعظیم نوشته، دانشمندی مازندرانی بر آن ایراد گرفته، کاتبی شوشتری رونویس آن را در تهران به پایان آورده، و مصححی [احتمالاً آذربایجانی] در نیاوران شمیران آن را تصحیح کرده است.

محمود بن محمد تبریزی از علمای شیخی مذهب تبریز و معلم ناصرالدین میرزای ولیعهد بود. در سفر ۱۲۵۱ و ولیعهد به قفقاز برای دیدن تزار نیکلای، همراه او بود^۱ و پس از دینار خصوصی ولیعهد، به همراه محمد خان زنگنه امیر نظام به حضور تزار راه یافت. تزار ماموریت تربیت ولیعهد ایران از سوی خود را نیز به او سپرد و او نیز بیان کرد که: «چون خدمت به قلب دو شاه بزرگ - که دل هر یک محل الهام غیبی است - سرور کرده، امید که به توجه ایشان او عهد خدمت توأم برآمد»^۲.

در همین سفر ۲۰۰ سکه با جاقلو هدیه گرفت و تزار یک حلقه انگشتری برای پسر او هدیه داد^۳. در محاکمه باب شرکت داشته و نقش اول را در بازپرسی از او داشت^۴. او در سال ۱۲۷۱ درگذشت.

از اخلاق نظام العلما ظاهراً هنوز نسخهای شناسانده نشده است. کتاب در سال ۱۲۶۴ به چاپ سنگی رسیده است. همانگونه که در جایی دیگر نوشته‌ام^۵ در فهرست نگاری نسخه خطی به روشی نو باور دارم و در اینجا آن را بکار می‌برم^۶.

۱. آگاهی‌های راهنما

ظاهراً این همان نسخهای است که شیخ آغا بزرگ تهرانی دیده و در الذریعه نقل کرده، اما محل و صاحب آن را معرفی

العلما را در مشهد شاه عبدالعظیم حسنی نوشت و در شب جمعه ۱۱ ذی قعدة ۱۲۵۵ از آن فارغ شد و آن را به سلطان محمد شاه غازی موشح ساخت... بعد از خاتمه کتاب سید ابوالقاسم مازندرانی مشهور به سید محمد مجتهد از او سؤال کرد که چرا برای شعور همه موجودات دلیلی عقلی نیاورده است. پس دلیلی عقلی به آن افزود... بعد از ورودش به تهران در سال ۱۲۶۴ کتاب را چاپ کرد. نسخهای از آن را بخط فاضل جلیل، محمدبن ابی طالب تستری دیدهام که تقریظ بلیغی بر آن نوشته بود.

از توصیف شیخ آغا بزرگ برمی آید که کتاب حاضر سه بخش مهم داشته:

۱. متن اولیه کتاب

۲. پاسخ به اعتراض سید ابوالقاسم مازندرانی مشهور به سید

محمد مجتهد

۳. تقریظ کاتب بر کتاب

با توجه به مطلب بالا، نسخه در اختیار ما از ارزش بیشتری برخوردار می شود:

۱. نسخه ما همان نسخهای است که صاحب ذریعه دیده، ولی نگفته که در کدام مجموعه یا کتابخانه دیده بود.

۲. پاسخ نویسنده به سید ابوالقاسم مازندرانی، پس از خاتمه و تقریظ کاتب آمده که نشان می دهد نسخه اساسی کتابت، نسخه اولیه بدون تکمله بوده است. و کاتب بعدها تکمله مؤلف را بر نسخه خود افزوده است.

۳. اما کاتب تکمله نویسنده را با عبارت متکلم «و کتب مؤلفه الفانی و الاسیر الجانی...» آورده که شبیه نگارشی تویبیط نویسنده را ایجاد می کند، اما بی تردید خط تکمله نویسنده با همان خط کتاب است.

۳. آگاهی ای انجامه شناسی

کتاب دارای پنج انجامه است:

۱. در برگ ۴۵ ر:

«... و فرغ مؤلفه الحقییر الفقیر الی الله الغنی من تالیفه لیله الجمعة حادی عشر شهر ۴۵ [پ] ذی قعدة الحرام من شهر سنه خمس و خمسين بعد المائین و الالف من الهجره المحمديه صلی الله علیه و آله و سلم فی محروسه سیدنا و مولانا ابی القاسم شاهزاده عبدالعظیم اعلی الله مقامه فی موكب سلیمان الدهر و داود العصر... ظل الله المؤید بتایید الله السلطان محمدشاه غازی [۴۶] ر] فی سبیل الله سمی خاتم

الانبیاء محمد ابن عبدالله ص لا زالت رایات دولته مرفوعه و اطناب خیم شوکته ممدوده و هامات اعدائه مقموعه حامدا مصلیا مستغفرا منیبا و المستول من الناظرین فی هذه الاوراق ينظروا فیها بعین الاتصاف و یجتنبوا عن طریق الاعتساف...»

۲. در برگ ۵۱ ر:

«... و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین و سلم تسلیمیا کثیرا، تمت الرساله الشریفه یوم الاربعاء من شهر ربیع الاول سنه ۱۲۵۶»

۳. در برگ ۵۲ ر، محمد ابن ابی طالب تستری کاتب کتاب نیز انجامهای به کتاب افزوده است:

«قال مستنسخ هذه الرساله العبد الفقیر الی رحمه الله الملك الغالب اعنی المسکین المستکین ۵۱ [پ] المحتاج محمد ابن ابی طالب التستری عفی الله سبحانه عنه بفضلہ و کرمه انی قد استنسخت من کتب الاصحاب اعان الله امواتهم بالمغفوره و احیاهم بالهام الصواب نسخاً تکاد عدة ابیاتها تبلغ الف الف بیت من الکتابه و کانت النسخ المومی الیهیا مولفه فی علوم مختلفه و رسوم مشتته و لعمری ما رایت شیئا منها مؤثره لمولفها و مصنفها العالم العلام و الفاضل الفهیم جامع الخصال الرضیه و الروحانیه ۵۲ [ر] مستجمع الاخلاق الحمیده المرضیه الانسانیه اسوة الفضلاء و المحققین قدوة الحکماء و المتالیهین جامع المعقول و المنقول... ۵۲ [پ]... ۵۴ [ر]... کتابک قد حوی کل المعانی و انوار العلوم تضنی فیه»

۴. زمانی که از سوی سید ابوالقاسم مازندرانی اعتراضاتی بر مؤلف رسید و در نسخه ما با خط ریزتری آمده:

«ملحقات خیر اعلم ان السید الجلیل و الفاضل النبیل السید ابوالقاسم المازندرانی الشهیر بالسید محمد المجتهد اعترض علی وصاله و قدخه فی و قال لم ترک الدلیل العقلی الدال علی شعور الحیوانات و النباتات و الجمادات... و کتب مؤلفه الفانی ۵۷ [پ] و الاسیر الجانی هذه السطور لیله العاشر بیده الجانیه و ان عشرت علی غلط فیها فاعذرنی... حرره لیله العاشر من المحرم فی دار الخلافه طهران صینت عن الحدیثان فی سنه ۱۲۵۷»

۵. ظاهراً چندی بعد مالک نسخه آن را به یکی از علما سپرد تا اشتباههای کاتب را اصلاح و بعضی کلمات را شرح دهد. مصحح و شارح بر روی برگ اول کتاب سه یادداشت نوشت که به آنها اشاره خواهد شد. و ظاهراً همین مصحح در پایان کتاب و بدنبال انجامه کاتب می افزاید.

«حرر فی ثانی عشرین شهر ربیع الثانی فی نیلوران شمیران ۱۰۰۰ م م»

۴. آگاهی‌های نسخه‌شناسی

نسخه‌ای است به اندازه ۱۰۵ در ۱۵۵ میلی‌متر جلد چرمی میشن قهوه‌ای [۵۴:۴] براساس DIN 6164 [۱] با تزئینات ساده بدون آستر بدرقه به کتاب چسبانده شده است.

کراسه: تعداد ۸ کراسه ۸ برگی و ته دوز. کراسه ششم، ۳ ورقی، و ۶ برگی است [۸ + ۸ + ۸ + ۸ + ۸ + ۸ + ۸ + ۸].

کاغذ: ۲۶ برگ کاغذ خوب اروپایی با واتر مارک A1 Masso، به رنگ نخودی [3:2:1] براساس DIN 6164. اندازه کاغذ و جلد برابر است. پنج برگ آخر نانوشته، اما در صفحه آخر چند یادداشت وجود دارد. صفحه شماره ندارد.

سطر: تعداد سطور ۹ و اندازه قاب آن ۱۱۰ در ۶۰ میلی‌متر است. استثنائاً صفحه ۲۷ پ، ۵۵ ر و پ، ۵۶ ر و پ، و ۵۷ ر، ۱۰ سطری است.

خط: نسخ یکدست و محکم است. از سطر ۵ صفحه ۵۴ رو خط ریزتر و بدتر شده و ظاهراً با شتاب نوشته شده باشد. این صفحات ۱۰ سطر دارد. یادداشتهای مصحح با خط نستعلیق نوشته شده است.

مرکب: سیاه، در همه کتاب یکدست است و در بالای احادیث و آیات خط سرخ کشیده شده است. آغاز مطالب با مرکب سرخ است. نام محمد شاه در آغاز [۳ ر] و انجام کتاب [۴۵ پ] نیز با مرکب سرخ است.

اعراب گذاری: تحمیدیه آغاز نسخه اعراب گذاری شده که در صفحه نخست با مرکب سرخ و در صفحه دوم با مرکب سیاه است.

به نوشته یادداشت آغاز کتاب «عدد ابیات این رساله شریفه یکهزار و یکصد و شصت بیت است تقریباً». ظاهر این یادداشت به خط نسخ از سوی کاتب برای دریافت حق کتابت نوشته شده است. اما تعداد شمارش شده سطور ۱۰۳۹ است.

۵. برافزوده‌ها (خارج از متن EX Libris)

یادداشت‌های آغاز کتاب

«۱۱۶۰ عدد ابیات این رساله شریفه یکهزار و یکصد و شصت بیت است تقریباً»

یادداشت یکم که پاک شده اما متن زیر را می‌توان خواند: مخدوم مهربان.....

یادداشت دوم که مفصلتر است:

«هو مطاع معظم من، خدا لعنت کند باین کاتب گردن شکسته، عجب خبیث است و شقی است، یک کلمه صحیح ندارد، این ملعون اگر شیعه بود فضائل آل محمد را غلط نمی‌نوشت، بان شدت غلط، کثیف مردی است، لوچ لوچ است، لاشک مثل فقرای یهود است، نه حال دارد و نه سلیقه، نه دنیا و نه آخرت، پنج و شش دفعه مرور کردم بعد از آن مقابله کردم، باز گمان ندارم که صحیح شده باشد، نف بر ریش و چشم این ناپاک، کور باشد بهتر است زیرا که نعمت خدا را ضایع کرده است، چشم برای دیدن است [وقتیکه ندید کور باشد بهتر است. والسلام»

یادداشت سوم مصحح:

«خدا گردن این کاتب را بشکند»

یادداشت‌های دیگر:

«رساله فارسی اصول دین پیش جعفر قلی خان فرزند اسکندر خان قاجار»

«جواب المسایل پیش ملا جواد پسر مرحوم ملا ظاهر»

یادداشت‌های آخر کتاب:

«شب پنجشنبه ۲۰ ربیع الاول، نماز میرزا علی اکبر پسر مرحوم محمد تقی»

«از برای بیوست تریاک بسیار نافع است تریاک خوب ۲ م

[نقال]، مقل لُزرق ۴ م، صبر زرد ۴ م، کندر سفید ۴ م»

از کتابهای جالب عربی است که نویسنده فارسی [و شاید آذری] زبان، امثال و اشعار فارسی و گاه ترکی را به عنوان شاهد بکار می‌گیرد. همچون:

... تو شاه جواهر لاهوتی

خورشید مظاهر ناسوتی [۵ پ]

... صد قافله بهر تو چشم براه

ای یوسف مصر در آ ز چاه [۸ ر]

... تن زده اندر زمین جنگالها

جان گشاده سوی بالا بالها [۸ پ]

... ماه کنعانی من مسند مصر آن تو شد وقت آنست که

بدرود کنی زندان را [۸ پ]

... یکدم بخود ای و بین چه کسی

بچه بسته دل و بکه همنفسی

نه اشک روان و نه رخ زردی

الله تو چه بیدردی [۹ ر]

اینجا تن ضعیف و دل خسته میخرند

شیشه چو شکست و شود ابتر

جز شیشه دل که شود بهتر [۱۳ ر]

لیلی من پیله کلامه دوتمزم کوش

لیلی سوزی سویله یوخسه خواموش [۱۴ ر]

هر چه در عالم همه لیلی بود ما نمیبینیم در وی غیر وی،

ایکه از لیلی همی جویی نشان [۱۴ ر]

طی نشد این افتادن زبا

وین عجب کافزونتر از یک گام نیست [۱۴ پ]

زبان سرخ سر سبز می دهد بر باد

بهوش باش دلا بازی زبان نخوری [۲۳ پ]

بجانم ریخته چندان غم و درد مصیبتها

که گر بر روزها ریزند گردد تیره چون شبها [۲۶ پ]

دهنده ای که بگل نکفت و بگل جان داد

بهر که هر چه سزا بود حکمتش آن داد [۲۷ پ]

مارا خواهی خطلی بعالم درکش

کاندر یکدل دو دوستی ناید خوش [۲۳ ر]

کاتب نیز در معرفی نویسنده از شعر فارسی بهره برده

است:

در وصف تو گفتم سخنی چند بگویم

دیدار نمودی و در نطق بیستی [۵۲ پ]

مصحح نیز در حاشیه نویسی از شعر غافل نمانده است:

من ملک بودم و فردوس برین جایم بود

آدم آورد درین دیر خراب آبادم [۷ پ]

مصحح ظاهر آذربایجانی است. در شرح و معنی بعضی

کلمات:

کندوجی: بترکی کنندی می گویند، جای گندم و جورا گویند

سعد بری ککلک اوتی صحرائی، بخراسانی کاکوتی گویند

بترکی ککلک اوتی گویند

بیصص بالترکی چخ

۷. کتابشناسی پژوهش

درباره کتاب حاضر، تنها و مهمترین معرفی را می توان در

الذریعه یافت.

شروعگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

۱. عبدالحسین نوایی توضیحات بر فتنه باب اعتضاد السلطنه، ص ۲۲۹.

۲. علی خان امین الدوله به معلمی او اعتمادی نداشت (خاطرات سیاسی ص ۹).

۳. رضا قلی خان هدایت روضه الصفای ناصری، تصحیح جمشید کیانفر، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰، ج ۱۵، ص ۸۲۰۶.

۴. هدایت، همان ص ۸۲۰۷.

۵. هدایت، همان، ص ۸۲۰۸.

۶. اعتضاد السلطنه فتنه باب به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران، بایگ، ۱۳۵۱، صص ۲۱-۲۸، هدایت، همان ص ۸۴۷۶، مهدی بامداد شرح حال رجال ایران ج ۵ ص ۳۰۴.

۷. «فهرست نویسی تنها یکبار» آینه میراث ش ۲۷ زمستان ۸۳.

۸. در واقع این نوشته به قصد نشان دادن عملی بودن آن روش است.

۹. الذریعه فی تصانیف الشیعه ج ۱ ص ۳۸۱.

۱۰. و نه شمیران.

۱۱. در نوشته «فهرست نویسی تنها یکبار» آورده ام که شخصاً استاندارد بین المللی DIN 6164 را ترجیح می دهم.